

ستار: او همراه با پدرش از افغانستان به ایران مهاجرت کرده و با وجود عشق به فیلم‌های رزمی، شوخ‌طبع است.



ساماندر آرتراتوس تلاش می‌کند ملکه راسپینا، فرمانروای سیاره‌شان گانورا را پیدا کند. او پیامی از سیاره‌ای دوردست دریافت می‌کند و به زمین می‌آید. ساماندر با سهیل آشنا می‌شود که مشکل حرکتی دارد. آنها قرار می‌گذارند که مشکلات یکدیگر را حل کنند. امید و ستار دوستان صمیمی سهیل هم وارد ماجرا می‌شوند و داستان از آنجا شروع می‌شود که ستار شیء عجیبی را به سهیل و امید نشان می‌دهد...

مادر سهیل: دلسوز و عاشق فرزندش است. او رنج زیادی کشیده و حالا هم خود را به خاطر وضعیت پسرش سرزنش می‌کند.



سهیل: نوجوان باهوشی است که مشکل جسمی و حرکتی دارد. او شخصیت جذاب و فرمانده دارد. او آرزو دارد بتواند راه برود و همین موضوع انگیزه‌ای برایش می‌شود تا به ماجراجویی خود ادامه بدهد.

